

## چرا باید "انتخابات" را تحریم کرد - بیانیه مشترک چهار جریان سیاسی

دوازدهمین دوره «انتخابات» ریاست جمهوری، با رد صلاحیت بخش عمده کاندیداها و تأیید شش نفر دستچین شده، سه تن از «اصولگرایان» و سه تن از «اصلاح طلبان» و «اعتدالیون»، وارد مرحله نهائی خود شد. این انتخابات نیز همانند انتخابات دوره‌های قبل در جمهوری اسلامی، چیزی جز یک مضحکه نمایشی برای نشان دادن سیمائی دموکراتیک از سوی حکومتی مستبد، جنایتکار و فاسد بیش نیست.

این انتخابات، در شرائطی برگزار می‌شود که بحران اقتصادی نه تنها تخفیف نیافته بلکه تشدید هم شده است. پس از امضاء «برجام»، مردم بر اساس تبلیغات بی‌پایه دولت بر این امید بودند که بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، بهبودی در اوضاع اقتصادی رخ خواهد داد، اما وعده و وعیدهای دولت توخالی بود و بهبودی در شرائط سخت زندگی، کار و معاش اکثریت مردم رخ نداده است. روحانی و دولت‌ش هم بر این امید بودند که با جلب سرمایه‌های خارجی تخفیفی در اوضاع نابسامان اقتصادی بدهند، که تا کنون موفق نشده‌اند. زیرا روحانی با اطاعت از رهبری توانا به مبارزه با رانتخواری نیست، همکاران اقتصادپیش در دولت متضاد عمل میکنند و سیاستش بر فروش نفت خام و انتشار اوراق قرضه مبتنی می‌باشد که بخش عظیم آن صرف هزینه‌های نظامی سر سام آور می‌گردد.

تغییر دولت امریکا و انتخاب «دونالد ترامپ» و مخالفت آشکار وی با حکومت ایران مشکلات را بیشتر کرده است و در چشم‌انداز نزدیک تغییری در روابط متشنج ایران و امریکا دیده نمی‌شود. علیرغم تمایل آشکار اروپائیان به گسترش روابط اقتصادی با ایران، بدلیل مخالفت‌های امریکا، اینان نیز بسیار محتاطانه با ایران بویژه در عرصه اقتصادی برخورد کرده و هنوز روابطه‌شان محدود مانده است. با ادامه ماجراجوئی‌های رژیم در منطقه و بحران در مناسبات خارجی، علاوه بر افزایش خطر درگیری‌های نظامی، بحران داخلی هم حادث شده است.

انتخابات در جمهوری اسلامی آزاد و دموکراتیک نبوده است چرا که حداقل‌های لازم، حق انتخاب شدن، انتخاب کردن، حق آزادی بیان، حق داشتن روزنامه و نشریه، حق فعالیت احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، حق استفاده برابر از رسانه‌های عمومی برای مخالفان حکومت، وجود نداشته است. به عبارت درست تر در این رژیم حقوق سیاسی شهروندان که اساس حقوق انسانی است رعایت نمی‌شود و انتخابات صحنه رقابت جناح‌های درون حکومت برای حضور در نهادهایی حکومتی و تقسیم سهام از خوان ثروتهای ملی بوده و می‌باشد.

شرکت بخشی از مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و رای دادن به کاندیدائی که مورد نظر ولی فقیه و جناح غالب رژیم نبود باعث شد تا دامنه این رقابت‌ها، زیر تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان، تنگ‌تر شود و دایره خودی‌ها بیش از پیش محدود شود. در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، با تقلب علنی و رای‌سازی برای احمدی نژاد چهره و خصلت اصلی انتخابات در جمهوری اسلامی آشکارتر شد. جمهوری اسلامی به رای مردم باور ندارد و تنها می‌کوشد تا با رای مردم به رژیم خود مشروعیت بخشد. برای حکومت اسلامی فقط میزان شرکت مردم مهم است و نه نتیجه‌ای که از صندوقهای رای بیرون می‌آید، چرا که نتیجه را خود از پیش و به صورت کنترل شده، هدایت می‌کند. کاندیداهایی که پس از عبور از صافی شورای نگهبان به صف اول مسابقه انتخابات می‌رسند، از «خودی»ها هستند و در نهایت هم نقش آنها غالباً در حد «تدارکاتچی» و مجری "حکم حکومتی" باقی خواهد ماند.

هموطنان گرامی

در این فصل انتخابات، حکومت می‌کوشد تا با انتخاب چند تن از چهرهای مورد اعتماد خود از جناح‌های مختلف رژیم و دو قطبی کردن انتخابات، ظاهری دموکراتیک به انتخابات داده و چنین بنمایاند که دیدگاههای مختلف و برنامه‌های گوناگون برای اداره جامعه در جریان انتخابات با هم جدل می‌کنند. در این انتخابات سه تن از «اصولگرایان» در مقابل سه تن از «اصلاح طلبان» و «اعتدالیون» قرار گرفته‌اند، در حالی که کاملاً معلوم است که اغلب این شش نفر به عنوان سیاه لشکر به صحنه آمده‌اند، ظاهراً هر کدام برنامه متفاوت از دیگری برای چهارسال آینده ایران ارائه می‌دهند. یکی با تکیه بر بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در حل مشکلات معیشتی مردم، علیه روحانی تبلیغ می‌کند و جناح مقابل هم با تکیه بر امضاء «برجام» به عنوان یک دستاورد دولت و ترساندن مردم از حضور آن دیگری در قدرت اجرائی و تبلیغ آن که رای دادن به رئیسی یا قالیباف برابر است با بازگشت به دوران احمدی نژاد، سعی در جلب آرای مردم دارد. هدف این فضای دو قطبی قبل از هر چیز در کشاندن مردم پای صندوقهای رای است.

هم میهنان گرامی

در یک جامعه آزاد، حکومت‌ها تابع رای مردم و پاسخگو به مردم هستند. در کشور ما برای حکومت‌ها رای مردم ارزشی نداشته و نادیده گرفته شده است. در جمهوری اسلامی با تهی کردن مقوله انتخابات از مفهوم واقعی و متعارف آن و محدود نمودن آن به وابستگان به قدرت، عملاً امکان دخالت آراء مردم در تحولات سیاسی محدود و محدودتر شده و دست آخر در جریان این انتخابات شاهدیم که چگونه به یک خیمه شب بازی تبدیل شده است. در نظامهای دموکراتیک، رای دادن روشی است که جامعه حاکمیت خود را بر دولت اعمال می‌کند و در نظامهای استبدادی، رای دادن روشی است که استبداد، حاکمیت خود را بر جامعه اعمال می‌کند.

با تحریم این نمایش انتخاباتی و عدم حضور در پای صندوق‌های رای، اجازه ندهیم که جمهوری اسلامی باری دیگر رای مردم را در انظار جهانیان، خرج مشروعیت بخشیدن به نظام استبدادی خود کند و در داخل کشور از آن برای ارباب و فریبکاری استفاده نماید. رویگردانی از این خیمه شب بازی و خلوت نگهداشتن حوزه‌های رای‌گیری، به سود آزادی و به سود حاکمیت مردم و به زیان استبداد است.

تردیدی نباید داشت که مبارزات جمعی مردم و رشد و پای‌گیری تشکل‌های مستقل و جنبش‌های اجتماعی با تکیه بر خواست‌های حق‌طلبانه‌شان، مهمترین عرصه مبارزه با رژیم است. عدم شرکت در بازی‌های سیاسی این رژیم، که تنها خود از آن بهره می‌برد و بایکوت انتخابات فرمایشی، راهی است که پایه‌های رژیم اسلامی را سست کرده و مبارزه مردم را گسترش خواهد داد.

ما از همه نیروهای دموکرات، مترقی، آزادیخواه، مستقل، جمهوریخواه، طرفدار جدائی دین و دولت و چپ که مخالف هرگونه دخالت خارجی در روند استقرار دموکراسی در ایران هستند دعوت می‌کنیم تا با تحریم فعال این نمایش انتخاباتی، تلاش برای برآمد صف مستقل اپوزیسیون آزادیخواه؛ مترقی، چپ و دموکرات را گسترش دهند. این گامی مهم در جهت تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم کشورمان است.

بکوشیم با سازماندهی مقاومت مدنی سراسری و پیشبرد تحریم فعال و گسترده انتخابات، قدرت نیروهای آزادیخواه و اراده مردم را در مقابل قدرت‌نمایی‌های رژیم نشان دهیم. تنها از این طریق است که می‌توان مستبدین حاکم را وادار به عقب نشینی کرده و با تداوم مبارزه برای برچیدن بساط تمامیت رژیم و راه رسیدن به جمهوری لائیک، آزادی، دموکراسی، و عدالت را هموار کرد.

اتحاد فدائیان خلق ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

همبستگی ملی جمهوریخواهان ایران

شنبه، اردیبهشت ۲۳، ۱۳۹۶